

شهر، روستا، تضاد یا تفاهم؟

مهران علی‌الحسابی

چکیده: روند جهانی رو به رشد شهرنشینی در یکی دو قرن گذشته نمایانگر تضعیف جایگاه روستاها و بروز چهره نوینی از نظام استقرار فضایی و توزیع جمعیت در نقاط مختلف جهان بوده است. اینکه روستانشینی سیری رو به اضمحلال را طی می‌کند و یا قوام یافتن نهضت سبز، ارتقاء دوباره فضاهای روستایی را به دنبال خواهد داشت از دیدگاه نظری قابل تأمل می‌باشد. در کشور ما علی‌رغم روند سریع توسعه شهرها و افزایش سهم جمعیت شهری در دهه‌های اخیر، با احتساب عملکرد اقتصادی، ماهیت، سیما و ساختار کالبدی نقاط شهری جدید، هنوز هم وزن و اعتبار روستاها قابل ملاحظه است.

در این نوشتار عدم تعادل در توزیع جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه، بی‌نظمی در سازمان فضایی سرزمین، تعرض به محیط زیست، ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی و عدم جوابگویی امکانات و خدمات رفاهی، عوامل عمده بروز چالش‌ها و عدم توازن میان محیط‌های شهری و روستایی معرفی شده و برنامه‌ریزی جامع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فضایی کشور با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و ویژگی‌های مناطق در چهارچوب توسعه یکپارچه و هماهنگ نقاط شهری و روستایی، به‌عنوان پاسخی برای مفاهیم شهر و روستا و ایجاد تعادل در عرصه‌های زندگی شهری و روستایی معرفی نماید.

واژه‌های کلیدی: روستا، توسعه روستایی، شهر، شهرنشینی، آمایش سرزمین، سازمان فضایی سرزمین، توسعه پایدار

۱. مقدمه

بحث و بررسی در خصوص روابط و تأثیرات متقابل شهر و روستا در ایران اگر چه چندان بدیع نیست، اما هنوز در زمره عرصه‌های نوین علمی بشمار می‌رود که ابعاد و جوانب آن چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. تحولاتی که در دهه‌های اخیر، چه از نظر ابعاد جمعیتی و چه از حیث شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرها و روستاهای ما پدید آمده‌اند، ظهور پدیده‌های جدیدی چون روستاهای میرا، روستاهای در حال گذار، روستا شهرها و شهرهای روستایی را موجب شده است. هر چند ظهور این پدیده منحصر به کشور ما نیست و شهرگرایی^۱ یا Urbanism از عناصر اصلی زندگی بشر معاصر محسوب می‌شود. اما هنوز هم قریب نیمی از جمعیت جهان، بویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته در نواحی و نقاط

نسخه اصلی مقاله در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۱ واصل و پس از بازنگری‌های لازم، در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۹ به تصویب نهایی رسیده است.

دکتر مهران علی‌الحسابی، استادیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران،
alalhesabi58@yahoo.com

^۱ در بسیاری موارد لفظ Urbanism به معنای شهرنشینی ترجمه شده، حال آنکه مفهوم شهرگرایی صحیح تر به نظر می‌رسد.

روستایی زندگی می‌کنند. [۱] به همین سبب بسیاری گرفتاری عمده سکونت‌گاه‌های دوران معاصر را در تقابل دو قطب جمعیتی، شهر و روستا، به‌عنوان مظاهر پیشرفت و کم‌رشدی می‌دانند، [۲] فارغ از آنکه به بسترها و روند بروز این چالش توجه نمایند.

علی‌رغم آنکه کالبد شهرها و روستاها موضوع پژوهش‌های متعددی بوده و ویژگی‌های معماری و بافت این سکونت‌گاه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (مطالعات انجام شده در وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و کتب و رساله‌های دانشگاهی) اما چگونگی و دامنه روابط موجود میان این نقاط و تأثیرگذاری و تأثیر پذیری متقابل شهر و روستا کمتر مورد توجه واقع گردیده‌اند. به‌ویژه آن‌که در بسیاری موارد پیشرفت و توسعه هر یک از جوامع فوق مترادف عقب‌ماندگی دیگری تلقی شده است. پرسش‌هایی اساسی در این خصوص مطرح است:

- آیا رشد شهرها موجب کاهش جمعیت و تخریب روستاها شده است؟

- آیا شهرهای گسترش‌یافته امروزین آمادگی پذیرش نقش اساسی و مثبت در توسعه ملی، و بالاخص توسعه روستایی را دارند؟

- آیا روند شهرگرایی در جهت ایجاد عدالت و دستیابی به توسعه عمومی باید متوقف و یا گُند شود؟

ناشی از تفوق جوامع شهری بر فضاهای روستایی در کشورهای صنعتی در میانه قرن بیستم میلادی، در دهه‌های آتی به تمامی جهان تسری پیدا خواهد نمود و این بار جوامع توسعه نیافته و یا در حال توسعه صحنه بروز آن خواهند بود.

اما در مقابل این نظریه دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد به برقراری تعادل فضایی - مکانی در تمامی جوامع انسانی است و به برقراری نظم و انتظام میان فعالیت‌های انسانی و محیط پیرامون وی باور دارد. بر این اساس جامع‌نگری و تجدید نظر کلی نسبت به راهکارهای رشد و توسعه و زمینه‌سازی آن در فرآیندی که کلیه عناصر و اجزاء ساختار اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی کلیه سکونت‌گاه‌های انسانی را در بر گیرد، ارتقاء کیفی فضاهای روستایی را نیز به دنبال خواهد داشت.

بر پایه چنین پشتوانه نظری و با توجه به تغییر و تحولاتی که به سرعت در عرصه زندگی بشر در جریان است ضرورت پاسخ‌گویی به سؤالات و ابهامات موجود حساسیت خاصی یافته است. فقدان برنامه‌ریزی جامع در توسعه درون‌زای ملی، نه تنها گسترش بی‌رویه شهرها را به دنبال داشته، بلکه به فرسودگی و فروپاشی سکونت‌گاه‌های روستایی انجامیده، و این خود در افزایش ابعاد مشکلات و نارسایی‌های کانون‌های شهری نقشی فزاینده ایفا نموده است. شتاب روزافزون گسترش شهرها به لحاظ کمی و فیزیکی، عدم تناسب خدمات و تسهیلات موجود شهری با نیازهای فزاینده شهروندان، رشد پدیده حاشیه‌نشینی و اثرات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی آن، فرسایش سریع بافت‌های قدیمی و ارزشمند شهری، تنزل کیفیت ساخت و ساز و آسیب‌پذیری بافت‌های شهری، بروز ناهنجاری‌های عدیده اجتماعی و فرهنگی به همراه هزاران مشکل کوچک و بزرگ دیگر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با پدیده مهاجرت و مظاهر مختلف آن در ارتباطند و ریشه در جابجایی‌های جمعیتی از روستا به شهر دارند. بدیهی است زمینه مهاجرت‌های روستایی چیزی نیست جز بی‌عدالتی در توزیع امکانات اقتصادی و خدماتی و وجود جاذبه‌های گوناگون نقاط شهری، که از جمله پیامدهای آن پدید آمدن قطب‌های اقتصادی، سیاسی و جمعیتی در برخی نواحی و کانون‌ها و بروز تغییرات اساسی در سازمان فضایی - کالبدی و نظام استقرار سکونت‌گاه‌های انسانی می‌باشد. توجه به برنامه‌ریزی درون-زای محلی و افزایش توان اقتصادی و خدمات در مناطق ضعیف، تنها راه اعمال سیاست‌های عدم تمرکز بوده که تحقق نظام استقرار مطلوب سکونت‌گاهی را در پی خواهد داشت.

۳. روند جهانی شهرگرایی

از آغاز بروز بحران در شهرهای دنیا بیش از ۲۰۰ سال نمی‌گذرد. از اواخر قرن هیجدهم میلادی جمعیت بسیاری از شهرهای اروپا با رشدی انفجارآمیز به گونه‌ای بی‌سابقه افزایش یافت. عامل این تحول، انقلاب صنعتی نشئت گرفته از انگلستان و بهبود شاخص‌های

مقاله حاضر باتوجه به روند تحولات شهر و روستا در ایران و جهان به بیان ملاحظات پیرامون پرسش‌های فوق و ماهیت و چگونگی مناسبات شهر و روستا در ایران می‌پردازد.

۲. بنیادهای شهر و روستا و پیش فرض‌ها

بشر تاریخ طولانی حیاتش بر روی کره ارض را با شکار و صیادی و جمع‌آوری محصولات و به‌عنوان عضوی از یک جامعه بسیار پرتحرک در محیطی با تراکم جمعیتی بسیار محدود آغاز کرده است. در این محدوده زمانی بسیار طولانی دو میلیون ساله که «حرکت» شاخص اصلی آن محسوب می‌گردد، انسان و محیط پیرامون او شاهد تغییر و تحولات بسیاری بوده‌اند. «توانایی در برقراری ارتباط میان صورت و شکل اشیاء و کارکرد آنها، شکل دادن به اجسام و ساخت ابزار و همچنین تسلط بر طبیعت و اهلی کردن حیوانات و دانه‌ها» پیشرفت‌های تدریجی، ولی انقلاب گونه‌ای بودند که هر یک نقطه عطفی در تاریخ نوع بشر به‌شمار می‌آیند. اما تمامی این موفقیت‌ها در برابر تحولاتی که در دوره یکجانشینی انسان به‌وقوع پیوسته، بسیار اندک به نظر می‌رسند. [۳، ۴ و ۵]

دوران اشتغال بشر به زراعت و مسکن‌گزینی وی که طبعاً «ثبات» و عدم تحرک ویژگی اساسی آنست، کمتر از ده هزار سال قدمت دارد. بدین ترتیب چنانچه دوران آغازین زندگی انسان را با تاریخ-چه سکونت و یکجانشینی وی مقایسه کنیم، دوره اخیر بسیار کوتاه به‌نظر می‌آید. حتی اگر بپذیریم که شیوه زندگی مبتنی بر کوچ‌گری، به نوعی در امتداد روش‌های زیست پر تحرک بشر اولیه قرار می‌گیرد، بایستی بر این واقعیت نیز صحنه گذارد که این شیوه طی سالیان گذشته در مناطق محدودی که زیست‌گاه کوچ‌گران محسوب می‌شود، به شدت در معرض هدم و زوال قرار داشته است. بنیان‌های زندگی مبتنی بر دامداری و حیات عشایر در قرن حاضر به‌طور جدی متزلزل شده و عرصه‌های اصلی زندگی آنان به‌شدت از جانب گروه‌های دیگر انسانی و پدیده‌های زندگی مدرن مورد تهدید قرار گرفته است. کوتاه سخن آنکه بشر در طول دوران حیاتش به‌تدریج به سوی سکونت و استقرار میل نموده است. صیادان اولیه، عشایر دوران‌های بعدی‌اند و کوچ‌گران دیروز، روستانشینان امروز.

اما جامعه روستایی نیز در سیر تحول بشر و محیط کالبدی جوامع انسانی ثابت و بی‌تغییر باقی نمانده است. به‌ویژه در قرن بیستم همراه با تحولات عظیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و توسعه فن‌آوری، جوامع روستایی نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. آینده این بخش از جامعه بشری و مسیر تحول آن سؤالی است که ذهن بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان را به خود مشغول داشته و توجه آنان را برانگیخته است. گروهی پیش‌بینی می‌کنند که ورود به قرن بیست و یکم نقطه آغازی بر پایان فرهنگ روستانشینی و زمان غلبه جوامع شهری و به‌ویژه کلان شهرها بر عرصه‌های زندگی روستانشینان خواهد بود. اینان بر این باورند که تحولات

شهر گذشت که بیشتر این شهرها در این مناطق قرار دارند. در سال ۱۹۹۰ سهم جمعیت شهری در کل جمعیت، در آسیا ۳۳ درصد، در آفریقا ۳۴ درصد و در آمریکای لاتین ۷۱/۵ درصد بوده است. در حالی که در سال ۱۹۵۰ این ارقام به ترتیب ۱۶/۵ درصد، ۱۴/۵ درصد و ۴۱/۵ درصد کل جمعیت را شامل می‌شده است. آمارهای سال ۲۰۰۰ میلادی حاکی از سهم ۳۵ درصدی جمعیت شهرنشین در آسیا است. سهم جمعیت شهرنشین آفریقا و آمریکای لاتین نیز به ترتیب به ۴۰ درصد و ۷۵ درصد بالغ می‌گردد.

روند توسعه شهرها و کاهش سهم جمعیت روستایی در آمریکای لاتین با وضعیت اروپا و آمریکای شمالی در قرن نوزدهم مشابهت دارد. آفریقا و آسیا نیز در آینده نزدیک با چنین موقعیتی روبرو بوده و حرکات جمعیت روستایی، شهرها را با رشدی انفجارآمیز مواجه خواهد ساخت. «در حال حاضر ۷۲ درصد جمعیت روستایی جهان در آسیا زندگی می‌کنند. بدین ترتیب آسیا به همان میزان که درگیر مسائل شهری است، با مسائل روستایی نیز دست به گریبان است»، [۹] و [۱۰]، و در صورت ادامه روند شهرگرایی به صورت حاضر ابعاد مسائل آن از مشکلات پدید آمده در کشورهای صنعتی و حتی آمریکای لاتین هم فراتر خواهد رفت. (جدول ۲)

۴. جایگاه روستا در ایران

تا قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی ۸۷ درصد جمعیت ایران در مناطق غیر شهری زندگی می‌کردند که نیمی از آن روستایی و نیم دیگر را کوچ نشینان و عشایر تشکیل می‌دادند. در سال ۱۳۰۴ حدود ۲/۵ میلیون ایرانی در شهرها و ۹/۳ میلیون نفر در نواحی روستایی^۱ زندگی می‌کردند. گرچه شمار این جمعیت تا سال ۱۳۱۳ در مجموع به ۱۳/۳ میلیون نفر افزایش یافت، اما نسبت جمعیت شهری و روستایی بدون تغییر باقی ماند که خود نشان می‌داد، طی این دوره مهاجرت قابل توجهی از روستاها به شهرها وجود نداشته است.

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰، نرخ رشد جمعیت شهری به نحو چشمگیری افزایش یافت که خبر از آغاز مهاجرت از روستاها به مراکز شهری می‌داد. سیاست‌های توسعه حکومتی، فرصت‌های شغلی تازه ناشی از فعالیت‌های نوپای صنعتی و نیز بهبود شرایط درمانی و بهداشت عمومی و افزایش نرخ مولید از عوامل اصلی این تغییر بود. [۱۱] به طوری که تا سال ۱۳۳۵، یعنی در زمان اولین سرشماری رسمی و عمومی کشور، از قریب ۱۹ میلیون نفر جمعیت کشور حدود ۳۲ درصد در نقاط شهری و بقیه که حدود ۱۳ میلیون نفر بودند در روستاها زندگی می‌کردند. از این زمان به بعد تحولات عمیق ایجاد شده در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نسبت جمعیت شهری و روستایی را نیز با شدت و سرعت شگرفی دستخوش تغییر ساخت و ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای

بهداشتی و درمانی بود که در پی خود کاهش مرگ و میر و افزایش امید زندگی را به ارمغان آورد. از آن پس دنیا شاهد روند شتابان و فراگیر شهرگرایی و شهرنشینی بوده است. سیل جمعیت روستایی در جستجوی شغل و شرایط مطلوب‌تر زیستی سرزمین‌های خود را ترک کرده و به سوی شهرها روانه شدند و تنها شهرها و مراکز بزرگ صنعتی در موقعیت و وضعیتی قرار داشتند که این توده‌های انسانی را در خود پذیرا باشند. در آن زمان هنوز ۹۵ درصد جمعیت جهان در بخش کشاورزی اشتغال داشتند. در واقع بخش اعظم نیروی کار می‌بایستی بسیج می‌شدند تا با استفاده از روش‌های ابتدایی کشت و تولید کشاورزی، خوراک و آذوقه جمعیت آن روز جهان را تامین نمایند. [6] و [7]

شاخص‌های یاد شده نشان می‌دهند که در ۱۵۰ سال اخیر جمعیت شهرها به‌طور روزافزون نسبت به روستاها افزایش یافته و به‌طور مثال در انگلستان سهم جمعیت شهری به حدود ۹۰ درصد کل جمعیت بالغ می‌گردد. در سایر کشورهای اروپا نیز کم یا بیش همین روند حاکم است. در واقع این تغییرات که می‌توان به آن انقلاب شهرنشینی اطلاق نمود، چهره تمامی جهان را به‌صورتی عمیق تغییر داد. بسیاری از شهرها و مراکز تولید سنتی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بنیان اقتصادی خود را از دست رفته یافتند، در حالی که شهرهای جدیدی بر اساس قواعد تجارت نوین شکل گرفته و به سرعت رشد یافتند. در اروپای صنعتی و امریکا علاوه بر روند یاد شده تحول بنیادین در ساختار شهرها بروز نمود و گونه جدیدی از شهر، یعنی شهرهای بزرگ صنعتی، را پدید آورد. (جدول ۱)

جدول ۱. نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت در کشورهای

نمونه صنعتی [8]

ایالات متحده		آلمان		انگلستان	
نسبت جمعیت شهری	سال	نسبت جمعیت شهری	سال	نسبت جمعیت شهری	سال
۱۵٪	۱۸۵۰	۳۲٪	۱۸۴۹	۱۰٪	۱۸۲۰
۶۴٪	۱۹۵۰	۶۱٪	۱۹۱۰	۷۷٪	۱۹۰۰
۷۴٪	۱۹۸۰	۸۵٪	۱۹۸۸	۹۰٪	۱۹۸۸

مناطق دیگر جهان یعنی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین کمی دیرتر، اما با سرعتی شتابان به این جریان پیوسته‌اند. چنان‌که در دهه ۱۹۹۰ تعداد شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر به قریب ۳۰۰ شهر بالغ شد و تعداد شهرهای ده میلیون نفره دنیا از مرز ده

^۱ جمعیت نواحی روستایی در این گزارش، جمعیت عشایر و جمعیت نیمه ساکن را نیز شامل می‌شود.

مساحت نقاط غیرمسکون که بیش از ۳۰ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، حدود ۶۰ درصد از سطح کشور در اشغال و تحت اختیار نقاط و عرصه‌های روستایی است.

چنانچه در میان نقاط شهری نیز که بیش از ۶۲ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند، بررسی عمیق‌تری صورت گرفته و از ورای آمار و ارقام، ماهیت، عملکرد و چهره این نقاط به نقد کشیده شود، تصویر متفاوتی از توزیع جمعیت شهری و روستایی کشور در پیش رو قرار خواهد گرفت. در واقع اگر معیارها و ملاک‌های دقیق‌تری چون عرصه کار و فعالیت، معیشت و سیستم‌های اقتصادی و حتی سیمای ظاهری و کالبد سکونت‌گاه‌ها نیز به تعاریف خشک آماري افزوده شود، بخش عظیمی از سکونت‌گاه‌های بظاهر شهری نیز در زمره نقاط روستایی قرار می‌گیرند که ساکنان آنها بیشتر از طریق کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن امرار معاش می‌کنند و سهم بخش‌های صنعت و خدمات در آنها ناچیز است. [۱۴ و ۱۵] یافت و ساختار کالبدی و سیمای بسیاری از شهرها نیز حاکی از ماهیت و پیشینه روستایی آنان دارد.

جهان به سوی گسترش شهرنشینی و تسریع روند مهاجرت‌های روستایی پیش رفت. به‌صورتی که در دهه ۶۰ برای نخستین بار در تاریخ ایران، تعداد جمعیت شهری بر جمعیت روستایی فزونی گرفت و در آخرین سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۷۵ سهم جمعیت روستایی تا حدود ۳۷ درصد کل جمعیت کاهش یافت. نکته جالب توجه در این آمار آن است که در برابر حدود ۹/۵ میلیون نفر افزایش جمعیت شهری در فاصله ده ساله ۷۵ - ۶۵ جمعیت روستاهای کشور تنها حدود ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. [۱۲] (جدول ۳) علی‌رغم آنکه سهم جمعیت شهرنشین کشور در مقایسه با جمعیت روستایی دائماً در حال فزونی است، هنوز هم قسمت قابل توجهی از جمعیت، یعنی حدود ۳۸ درصد، در بیش از ۶۵۰۰۰ نقطه روستایی زندگی می‌کنند. با وجود نشیب و فرازهای بسیار در گذشته، هنوز هم بخش عظیمی از جمعیت کشور در فعالیت‌هایی که به‌طور سنتی در عرصه‌های روستایی انجام می‌شوند اشتغال دارند و بدین ترتیب فضاهای روستایی کمابیش نقش و اعتبار ویژه خود را در مجموعه حیات اقتصادی کشور حفظ نموده‌اند. از این گذشته مجموع شهرهای کشور که در سال ۱۳۷۵ حدود ۶۱۲ نقطه بوده‌اند، سطحی کمتر از ده درصد مساحت کشور را اشغال کرده‌اند، با احتساب

جدول ۲. سهم جمعیت شهری در مناطق مختلف جهان از کل جمعیت (درصد از کل)

مناطق جهان	۱۹۵۰	۱۹۷۰	۱۹۹۰
آسیا	۱۶/۴	۲۲/۹	۳۴/۴
آسیا بدون ژاپن	۱۴/۳	۲۰/۴	۳۲/۶
آفریقا	۱۴/۵	۲۲/۹	۳۳/۹
آمریکای لاتین	۴۱/۵	۵۷/۳	۷۱/۵
آمریکای شمالی	۶۳/۹	۷۳/۸	۷۵/۲
اروپا	۵۶/۵	۶۶/۷	۷۳/۴
شوروی سابق	۳۹/۳	۵۶/۷	۶۵/۸
اقیانوسیه	۶۱/۳	۷۰/۷	۷۰/۶
اقیانوسیه بدون استرالیا و زلاندنو	۷/۵	۱۷/۵	۲۳/۱

جدول ۳. توزیع جمعیت کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال‌های مختلف [۱۳]

سال	کل جمعیت	شهری		روستایی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۳۵	۱۸.۹۵۴.۷۰۴	۵.۹۵۳.۵۶۳	۳۱/۴	۱۳.۰۰۱.۱۴۱	۶۸/۶
۱۳۴۵	۲۵.۷۸۸.۷۲۲	۹.۷۹۴.۲۴۶	۳۷/۹	۱۵.۹۹۴.۴۷۶	۶۲/۱
۱۳۵۵	۳۳.۷۰۸.۷۴۴	۱۵.۸۵۴.۶۸۰	۴۷/۱	۱۷.۸۵۴.۰۶۴	۵۲/۹
۱۳۶۵	۴۹.۴۴۵.۰۱۰	۲۶.۸۴۴.۵۶۱	۵۴/۴	۲۲.۳۴۹.۳۵۱	۴۵/۶
۱۳۷۵	۶۰.۰۵۵.۰۰۰	۳۶.۲۳۸.۰۰۰	۶۲/۳	۲۲.۶۶۸.۰۰۰	۳۷/۷

عدالت به سوی شهرها متمایل شد، مشکلات جوامع شهری و روستایی ابعاد گسترده خود را نمایان ساخت. نگاه به چالش‌های موجود فراروی شهرها و روستاهای کشور، جستجوی ریشه‌های آنرا جهت درمان موضوع سهل‌تر می‌سازد. چالش‌هایی نظیر مهاجرت و توزیع نامتعادل جمعیت، بی‌نظمی در سازمان فضایی سرزمین و سلسله مراتب سکونت‌گاهی، عدم توجه به محیط زیست، کمبود امکانات و خدمات عمومی و نابسامانی و ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی.

۱-۵. مهاجرت و توزیع نامتعادل جمعیت

توزیع جمعیت در کشور ما وابسته به عوامل متعدد محیطی، انسانی و اقتصادی بوده و انتخاب نقاط جهت سکونت در محدوده طولانی زمان صورت پذیرفته است. بدین ترتیب نقاط و پهنه‌های شهری و روستایی به‌صورت متراکم، کم تراکم و حتی غیرمسکون در نقاط مختلف کشور پدید آمده‌اند. هرگونه تغییر سریع و غیرطبیعی در چگونگی پراکنش جمعیت در سطح کشور، تعادل و هماهنگی متناسب سکونت‌گاه‌ها را که حاصل تجربه و همزیستی طولانی ساکنین این سرزمین بوده، بر هم می‌زند. بر هم خوردن رابطه تعادل بین نقاط زیستی که به‌صورت ظهور پدیده مهاجرت‌های کشاورزان از روستا به شهر مشکل نموده است، ریشه بسیاری از چالش‌های موجود در جوامع شهری و روستایی به‌شمار می‌آید.

در دهه ۶۰ میلادی یکی از توصیه‌های سازمان ملل متحد به کشورهای در حال توسعه، سعی در انتقال نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی به شهرها و مراکز صنعتی بود، به‌گونه‌ای که بهره‌وری کارآتری از این نیروی کار حاصل شود. [۱۶ و ۱۷] در کشور ما نیز تحت شعار تحقق توسعه صنعتی، سعی وافری صورت گرفت تا نیروی انسانی مازاد در روستاها به سوی مراکز صنعتی هدایت شده و انگیزه‌های لازم جهت رونق این بخش اقتصادی فراهم آید. بر همین اساس سیل وسیع مهاجرت کشاورزان و روستاییان از مزارع بسوی شهرها روان شد تا تحرک توسعه صنعتی حاصل آید. طی مدت زمان کوتاهی که کمتر از ده سال به طول انجامید، نادرستی این سیاست به اثبات رسید و هیچ‌یک از راهبردهای آن، اهداف مورد نظر را حاصل نمود. نه تنها شاخص‌های رشد و توسعه صنعتی به‌طور کامل محقق نگردیده بود، بلکه پدیده‌های بیکاری، کم‌کاری و قابلیت تولید پایین همچنان در مناطق روستایی تداوم یافت و به‌علاوه عوارض بسیاری نیز گریبان‌گیر شهرها شد. مهاجرتی که در جستجوی کار و زندگی بهتر به شهرها آمده بودند، مشاغل و فرصت‌هایی را که امید آنرا در شهرها داشتند نیافتند. پیامد این گونه حرکات جمعیتی به عوض توسعه و رشد اقتصادی و ارتقاء شاخص‌های زندگی، فقر وسیع در مناطق شهری و روستایی بود. [18]

در واقع بخش اعظم سکونت‌گاه‌هایی که در ۵۰ سال اخیر به نقاط شهری مبدل شده‌اند،^۱ منشاء روستایی داشته‌اند. این امر گویای آن است که طی این مدت بیش از ۶۰۰ روستا با قابلیت نسبی و برخوردار بودن از منابع آب و خاک و جمعیت قابل توجه به شهر تبدیل گردیده‌اند.

متأسفانه با وجود آنکه همواره جمعیت به‌عنوان مهمترین ملاک تبدیل روستا به شهر مورد استفاده قرار گرفته^۲ اما این شاخص نیز بطور جدی در تعریف سیاسی نقاط اعمال نگردیده است. در سال ۱۳۷۵ حدود ۳۷ درصد از کانون‌های شهری (۲۲۸ شهر) کمتر از ده هزار نفر جمعیت داشته‌اند. ۱۳/۳ درصد از شهرهای کشور دارای جمعیتی کمتر از ۵ هزار نفر بوده‌اند. مهمتر آنکه ۱۲ شهر کشور در این سال حتی جمعیتی کمتر از ۲۰۰۰ نفر داشته‌اند. واضح است که ملاک‌های دیگری غیر از شاخص جمعیت و شرایط لازم، در تبدیل و ارتقاء این نقاط روستایی به شهر مؤثر بوده‌اند. [۱۵]

از مجموع عوامل فوق می‌توان نتیجه گرفت که کشور ما علی‌رغم روند سریع شهرگرایی در دهه‌های گذشته هنوز هم بیشتر به‌عنوان یک جامعه روستایی قابل شناسایی است و بسیاری از شهرهای آن علی‌رغم بروز تغییرات ظاهری، از جهت مناسبات اجتماعی، اقتصادی و ویژگی‌های فرهنگی به روستا شبیه‌ترند تا شهر. این واقعیت توجه جدی و عمیق به مسائل جامعه روستایی و ایجاد تعادل میان فضاهای شهری و روستایی را لازم و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

۵. عدم تعادل شهر و روستا، عامل اصلی

چالش‌ها

شهرها از دیر زمان مراکز تجارت، داد و ستد، صنعت و محل تمرکز زندگی فرهنگی و سیاسی جوامع بوده‌اند. آنها مظاهر یکپارچگی و وحدت ملی به‌شمار می‌آیند و به‌عنوان مراکز منطقه‌ای نقشی پر اهمیت ایفا می‌نمایند. روستاها نیز مراکز تولید مایحتاج اولیه و آذوقه شهرها و محل تامین نیروی انسانی مورد نیاز آنها محسوب می‌شوند. در مقابل، محصولات را که در روستا تولید نمی‌شوند، شهرها برای این نقاط فراهم می‌آورند. زندگی شهرها و روستاها به یکدیگر پیوسته و به هم وابسته است. روستاها به لحاظ خدمات اداری، فرهنگی و اجتماعی به شهرها وابسته‌اند، شهرها نیز وابسته به نیروی کار و تولیدات کشاورزی روستاها هستند. هر یک از این جوامع در نظام استقرار سکونت‌گاه‌ها جایگاه ویژه خود را دارا بوده و عدم تعادل در روابط این جوامع موجب بروز چالش‌ها، تضادها و نارسایی‌های ناشی از آن می‌شود. در واقع از زمانی که کفه ترازوی

^۱ در فاصله سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۵ تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ نقطه به ۶۱۲ نقطه افزایش یافته است و تعداد نقاط شهری کشور در حال حاضر به بیش از ۹۰۰ نقطه بالغ می‌گردد.

^۲ بر اساس قانون تقسیمات کشوری، دارا بودن حداقل ۱۰ هزار نفر جمعیت از شاخص‌های اصلی تعریف شهر است.

آمایش سرزمین، توسعه ملی و تعادل بخشی میان جمعیت و فعالیت شهری و روستایی حاصل نخواهد شد.

۳-۵. عدم توجه به محیط زیست و تعرض به آن

محیط طبیعی بستری است که تمامی فعالیت‌های انسانی بر روی آن شکل می‌گیرد. کم توجهی به محیط طبیعی روند توسعه را کند نموده و حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری‌ها را از میان برده و یا بی‌ثمر می‌سازد. این بستر منفعل نیست و اجازه نمی‌دهد انسان به مقتضای منافع آن خود با آن رفتار نماید. بین انسان و محیط طبیعی روابطی متقابل حکمفرماست و روابط متقابل، تعادل و تعامل بین این دو را طلب می‌کند. لازمه روابط متقابل سالم، شناخت و احترام هر چه بیشتر انسان به محیط طبیعی است. اگر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی دستیابی به آرمان‌های سیاسی و اجتماعی انسان‌ها مورد تأکید قرار می‌گرفت، اکنون و در هزاره سوم این «حفظ محیط زیست» و «توسعه پایدار» است که در کانون توجه صاحبان فکر و اندیشه قرار گرفته است.

سکونت‌گاه‌های انسانی نیز به‌عنوان یک واحد زیست محیطی رابطه دقیق میان انسان و محیط را در خود نهفته دارند. این رابطه در یک جامعه ایده آل باید به‌طریقی باشد که هیچ یک مقهور دیگری نبوده و طبیعت در کنار یا به عبارتی مساوی با انسان در نظر گرفته شود. اما تغییرات حاصل شده در نظام اقتصادی، اجتماعی و فضایی به نفع شهرها و تخلیه روستاها از جمعیت، موجب فشار بیش از حد به منابع طبیعی و تخریب محیط زیست گردیده است. بهره‌گیری بی‌رویه از محیط و منابع طبیعی پیامدهای ناگوار زیست محیطی را به دنبال دارد. شهر برای پاسخگویی به نیازهای متنوع شهروندان مجبور به استفاده از منابع در حجم بسیار بالاست. انرژی، آب و غذا به‌صورت بی‌رویه مصرف می‌شود که در بسیاری موارد طبیعت قادر به جایگزینی آنها نیست و تخریب محیط زیست نتیجه طبیعی چنین روندی می‌باشد. به‌علاوه این روند، تغییرات وسیعی در محیط طبیعی ایجاد می‌نماید که آلودگی گرمایی، آلودگی آب و خاک، آلودگی صوتی، تخریب فضای سبز و... از پیامدهای آن به‌شمار می‌روند. در روستاها نیز بی‌توجهی به ظرفیت‌های محیطی محل در قالب تبدیل اراضی جنگلی و مرتعی به زراعی، استفاده بی‌رویه از مراتع و چراگاه‌ها، انتقال فاضلاب و پساب واحدهای مسکونی به رودخانه‌ها و چاه‌ها و... موجب برهم خوردن تدریجی چرخه‌های طبیعی و اکوسیستم محل شده که ضمن در برداشتن پیامدهای منفی برای سلامتی انسان‌ها، باعث به خطر افتادن حیات گونه‌های گیاهی و جانوری محل نیز شده است. [21] توجه به زمینه‌های عملکرد محیط در مقیاس منطقه و یکپارچه کردن اهداف زیست محیطی به‌صورت هماهنگ میان شهر، نواحی اطراف و تحت نفوذ آن و روستاها، حفظ محیط سالم در سکونت‌گاه‌ها و جلوگیری از

۲-۵. بی‌نظمی در سازمان فضایی سرزمین و سلسله مراتب

سکونت‌گاهی

رابطه متقابل انسان و محیط پیرامونش در عرصه‌های جغرافیایی، به ایجاد تغییراتی در مناطق مختلف در جهت فراهم سازی زندگی قابل قبول، معنی دار و همراه با آسایش می‌انجامد که نتایج آن «توسعه» تلقی می‌شود. تأثیر این تغییرات بر توسعه مناطق مختلف متفاوت است. هر اندازه مجموعه این تغییرات در جهت پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی انسان موفق‌تر بوده و مکانیابی سکونت‌گاه‌ها بر اساس ظرفیت‌ها و توان‌های محیط صورت گیرد، آرایش فضایی - مکانی سرزمین مناسب‌تر خواهد بود. از سوی دیگر تفاوت سطح برخورداری در نقاط و پهنه‌های مختلف سرزمین و نابرابری در شهر و روستا در چهره معضلاتی نظیر فقر، بیکاری، اشتغال نامناسب و فقدان آموزش و بهداشت، موجب عدم تعادل فضایی - مکانی و بی‌عدالتی میان مناطق می‌گردد. [۱۹] در واقع امروزه نابرابری بین نقاط سکونت‌گاهی جای خود را به عدم تعادل - های منطقه‌ای داده است.

بدیهی است نیازهای جوامع مختلف اعم از کوچک یا بزرگ، شهر و یا روستا با یکدیگر متفاوت است و بر این اساس نمی‌توان با تبیین نیازهای یک جامعه به رشد و توسعه، به رهنمودهایی برای رشد و توسعه جامعه دیگر رسید. شهرها و روستاها نیز جوامعی هستند با ویژگی‌های خاص خود که جهت توسعه نیازهای ویژه‌ای دارند. شهری کردن روستاها و یا نگاه روستایی به شهرها پاسخ مناسبی برای ارتقاء و رشد این جوامع محسوب نمی‌گردد. ارتقاء همه جانبه حیات روستایی از طریق زمینه سازی و ترغیب فعالیت‌های همساز با محیط مقدور است و هر روستا با درجات بزرگی متفاوت و مختصات محیطی ویژه خود، می‌بایستی جایگاه خود را متناسب با نقش محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی در سازمان کالبدی - فضایی سرزمین بیابد. شهرها نیز ایجابات توسعه ویژه‌ای می‌طلبند. به این مفهوم هر منطقه سکونت‌گاهی اعم از مزارع و مکان‌های کوچک، آبادی‌های کم جمعیت، روستاهای بزرگ و شهرها و مراکز جمعیتی رده بالا در تکمیل چرخه این سازمان نقش خاصی داشته و بایستی متناسب با توان و ظرفیت محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی خود، در چهارچوب نظام سنجیده اسکان جمعیت و استقرار پهنه سکونت‌گاه‌ها مکانیابی شوند. اما سازماندهی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرزمین ما، به تبع نگرش نادرست به پهنه‌بندی و آمایش سرزمین، فضای کشور را به گونه‌ای قطبی، متمرکز و ناهنجار شکل داده و به پیدایش مناطق کاملاً محروم و توسعه نیافته انجامیده که عدم تعادل با بخش‌های دیگر سرزمین، به‌ویژه شهرها و قطب‌های بزرگ صنعتی برخوردار را به نمایش گذارده‌اند. [۲۰]

بدون نگرش جامع و هماهنگ به رشد و توسعه مناطق روستایی و شهری و تعمیم آن در بستر ایجاد تعادل میان مناطق در چهارچوب

روستاییان مهاجر در بسیاری موارد کماکان با همان شیوه‌های زندگی روستایی در محیط شهرها زندگی می‌کنند. نگهداری مرغ و خروس و حیوانات اهلی در خانه‌های مهاجرین روستایی و فضاهای عمومی آنها امری رایج و منظره‌ای آشنا در محلات مهاجرنشین به-شمار می‌آید. از این گذشته مهاجرین و شهروندان از طریق ایجاد تماس و همچنین روابط اقتصادی، بر شیوه زندگی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. برخورد و عدم تفاهم این فرهنگ‌های متفاوت و شیوه‌های زندگی گوناگون به ایجاد ناهنجاری و مناقشات اجتماعی بین گروه‌های جمعیتی می‌انجامد که شهرهای ما عرصه بروز روزمره آن می‌باشند. [۲۲]

از سوی دیگر روستاها نیز با تغییرات اجتماعی گسترده‌ای مواجه هستند. مهاجرت روستاییان به شهرها، نقاط روستایی را کم رونق و کم تحرک نموده است. جای خالی مهاجرین همچنان خالی مانده و تراکم جمعیت در روستاها کاهش می‌یابد. این کاهش نفرت در مناطق روستایی در میزان بیکاری و کم کاری، سطح تولید، پویایی و تحرک اجتماعی، میزان سرمایه انسانی و پتانسیل نوآوری تأثیر منفی می‌گذارد. از آنجا که مهاجرت عمدتاً در میان جوانان رایج است، بافت جمعیتی روستاها تغییر یافته و به سوی سالخورده‌گی میل می‌نماید. در بسیاری از روستاهای کشور سالخوردگان، کودکان و زنان بخش اعظم جمعیت را تشکیل داده و جوانان در چهره عمومی و بافت جمعیتی روستا جایگاه کم‌رنگی دارند^۱ در مجموع بافت اجتماعی روستاها نیز همانند شهرها دستخوش تحولات اجتماعی عمیق گردیده است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

واقعیتی که در ورای این مباحث پیش روی ماست، نشان‌گر تحولات همه جانبه و سریع در جامعه روستایی سرزمین ما طی سالیان گذشته می‌باشد. این تحولات که به موازات توسعه جوامع شهری صورت گرفته، در مجموع به زبان جامعه روستایی و در جهت انهدام و یا تضعیف آن بوده است. بررسی روندها و نگاهی به آمار و ارقام نیز بر این واقعیت تأکید می‌کنند که در سال‌های آغازین سده بیست و یکم برای نخستین بار در تاریخ بشر تعداد جمعیت شهری جهان بر جمعیت نواحی روستایی پیشی خواهد گرفت. تحولی که کشور ما در دهه ۶۰ شاهد آن بوده است. حتی اگر این تحولات را که به رشد روزافزون شهرها و تخلیه تدریجی فضاهای روستایی منجر شده، در فرآیند توسعه اقتصادی، صنعتی قرن گذشته ارزیابی نماییم، این نکته غیر قابل تردید است که دخالت‌ها و اقدامات انسانی در گند یا تند کردن این روند تأثیر بسزایی داشته‌اند. ایجاد جاذبه و

اسراف و تخریب منابع و ایجاد آلودگی‌های محیطی را میسر می‌سازد.

۴-۵. عدم تعادل امکانات و خدمات عمومی

هدف اصلی توسعه احیاء زندگی مناسب و در شان انسان است، چه در شهر و چه در روستا. ساکنین روستاها نه تنها از سختی معیشت و شرایط زندگی در روستا در عذابند، بلکه از انزوا و کیفیت پایین زندگی روستا نیز رنج می‌برند. این عامل نقش بسزایی در راندن جوانان روستایی از زادگاهشان به سوی شهرها دارد. درست است که در سال‌های پس از انقلاب تلاش‌های بسیاری در جهت تامین و ارائه خدمات به روستاهای کشور، بویژه در زمینه خدمات زیربنایی صورت گرفته است، اما میزان و کیفیت خدمات و امکانات رفاهی در شهر و روستا هنوز با یکدیگر اختلاف فاحشی دارند. بخش اعظم جمعیت روستایی کشور از نعمت آب آشامیدنی سالم، برق و راه روستایی برخوردارند. این عده عمدتاً در روستاهایی زندگی می‌کنند که جمعیتی بیش از ۲۰ خانوار دارند. اما نزدیک به نیمی از روستاهای کشور را روستاهای پراکنده‌ای تشکیل می‌دهند که جمعیت‌شان از ۲۰ خانوار کمتر است. فراوانی تعداد این آبادی‌ها و پراکندگی‌شان در پهنه سرزمین، پیچیدگی امر برنامه‌ریزی و ارائه خدمات به این نقاط را دو چندان کرده است. ارائه خدمات و سرمایه گذاری در این روستاهای کوچک و دور افتاده که دسترسی به آنها هم مشکل است، پرهزینه و چه بسا غیر اقتصادی می‌نماید. بیشتر این روستاها در زمره فقیرترین و محرومترین نقاط کشور جای دارند.

سطح خدمات در روستاهای بهره‌مند از آب و برق و راه نیز با میزان امکانات رفاهی در شهرها قابل مقایسه نیست. روستاهای بسیاری از نعمت امکانات آموزشی و درمانی محرومند. بدیهی است خدمات رده بالاتر نظیر ادارات، مؤسسات آموزش عالی، بیمارستان‌ها و فعالیت‌های تفریحی، فرهنگی و هنری تنها در شهرها قابل ارائه‌اند. لذا با فرض ارتقاء نسبی سطح زندگی و خدمات در روستاها، باز هم این نقاط در مقایسه با شاخص‌های زندگی شهری محروم محسوب می‌شوند. درست است که عوامل اقتصادی و اشتغال مهم‌ترین انگیزه در مهاجرت‌های روستایی به‌شمار می‌آیند، ولی سطح پایین خدمات رفاهی و نابرابری در بهره‌مندی از خدمات نیز به‌شدت ساکنین روستاها به‌ویژه جوانان را به‌سوی شهرها جذب می‌نماید.

۵-۵. ناهنجاری و نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی

بافت اجتماعی یک شهر با هجوم مهاجرین دچار تغییراتی می‌گردد که بیشتر ناشی از نحوه سکونت و شیوه زندگی مهاجرین است. مهاجرین که اغلب آنان را روستاییان تشکیل می‌دهند ممکن است اجتماعات قومی همگنی تشکیل دهند و یا اینکه با شهروندان همزیستی و ارتباط برقرار نمایند. اما اغلب این مهاجرین فرهنگ و شیوه زندگی و مناسبات اجتماعی خود را دنبال می‌نمایند.

^۱ روستای ایبانه دارای بعد خانواری حدود ۲ نفر است که این به مفهوم حضور انحصاری والدین در روستا و عزیمت فرزندان به شهرهاست. جای خالی نیروی کار و جوانان را مهاجرین افغانی پر نموده‌اند که خود از موجبات اصلی تغییر بافت اجتماعی و عامل فرسایش بافت سنتی با ارزش این روستا می‌باشند.

مراجع

- [۱] پیتیه، ژان، مهاجرت روستائیان، ترجمه محمد مؤمنی کاشی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- [۲] دراکاکیس - اسمیت، دیوید، شهر جهان سومی، ترجمه فیروز جمالی، تهران: انتشارات نشر توسعه، ۱۳۷۷.
- [۳] جنسن ه. و.، تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹.
- [۴] باستیه ژان و دزرت برنارد، شهر، ترجمه علی اشرفی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- [۵] گیدئون زیگفريد، فضا، زمان، معماری، ترجمه منوچهر مزین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- [6] Humpert Klaus; Einführung Städtebau, S.I. Universität Stuttgart, Stuttgart, 1994.
- [۷] گیلبرت آلن و گالگر ژوزف، شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران، ۱۳۷۵.
- [8] United Nations, *World Urbanization prospects, revision*, New York, 1995.
- [۹] فردانش فرزین، شهرهای جهانی، مجله مسکن و انقلاب، شماره ۹۰، تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- [10] Bähr J., *Verstädterung der Erde*, Geographische Rundschau 45, 1993.
- [۱۱] اهلرس اکارت، ایران، شهر، روستا، عشایر، ترجمه عباس سعیدی، تهران: انتشارات منشی، ۱۳۸۰.
- [۱۲] آسایش حسین، برنامه ریزی روستایی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵.
- [۱۳] مرکز آمار ایران، مقایسه گزیده نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کل کشور، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶.
- [۱۴] ازکیا مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵.

انگیزه‌های مهاجرت و واگذاری روستاها به حال خود، یعنی آنچه سر لوحه سیاست‌های اقتصادی در حکومت‌های گذشته بوده، و فقدان جامع‌نگری و تسلط نگرش بخشی بر برنامه‌ریزی توسعه که مشخصه فعالیت‌های عمران روستایی در سالیان پس از انقلاب تاکنون بوده است، هر یک به گونه‌ای در تسریع روند تخریب و انهدام فضاهای روستایی مؤثر واقع شده‌اند.

از سوی دیگر توجه به این واقعیت که بخش عظیمی از جمعیت کشور در بیش از ۶۰ هزار نقطه روستایی زندگی و فعالیت می‌کنند و در حال حاضر علی‌رغم نشیب و فرازهای گذشته، نقش و اعتبار ویژه خود را در مجموعه حیات اقتصادی کشور حفظ نموده‌اند، لزوم برنامه ریزی جامع و تدوین الگوهای فراگیر رشد و عمران روستایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. اساساً برخورد با روستا یعنی مواجهه با بخش بزرگی از جمعیت فعال که قسمت اعظم فضای کشور را تحت اشتغال خود دارد. نگاه فعال و سازنده به روستاها می‌بایستی مبتنی بر درک صحیح از مسائل روستایی و واقعیت‌های موجود در عرصه سکونت‌گاه‌های کشور باشد. نخستین پیش‌فرض در این ارتباط آن است که روستاها را به مثابه روستا نگاه کرد و نه نقاطی که باید به صورت شهر در آیند. فقدان برنامه‌ریزی جامع توسعه فضایی در کشور که ظرفیت‌ها و ویژگی‌های تمامی نقاط سکونت‌گاهی را در نظر داشته باشد، موجب می‌شود تا تلاش و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و در دست انجام، به صورت مناسب جهت‌دهی نشده و بعضاً اقداماتی مغایر با توسعه یکپارچه و هماهنگ نقاط شهری و روستایی صورت پذیرد. لذا شناسایی قابلیت‌های سکونت‌گاهی متفاوت از بُعد طبیعی و انسانی و شناخت ابعاد اصلی محیط، بررسی انگیزه‌های عمده در جابجایی‌های جمعیتی و مهاجرت، شناخت کمبودهای خدماتی و رفاهی جوامع روستایی و از همه مهم‌ترین برنامه‌ریزی جهت تامین اشتغال و شرایط مناسب زندگی در شهرها و روستاها، بایستی در صدر برنامه‌های توسعه کشور قرار گیرد.

برخی از کارشناسان اعتقاد دارند شهرها نیروی محرکه توسعه مناطق بوده و رشد و توسعه اقتصادی وقتی عملی می‌شود که شهرها رشد و توسعه یابند. در مقابل برخی تصور می‌کنند صنعتی کردن روستاها و انتقال برخی از فعالیت‌های صنعتی به روستا موجب توسعه و حیات روستاهای فعال و پررونق خواهد شد. حتی گروهی بر این باورند که می‌توان روستا را چون اثری فرهنگی در دل طبیعت دست نخورده نگاه داشت و آنرا به مراکز گردشگری و گذران اوقات فراغت شهری مبدل نمود. اما واقعیت آن است که هرگونه برنامه‌ریزی و طراحی توسعه، چنانچه فاقد عنصر نگرش یکپارچه و هماهنگ به سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی و بی ارتباط با ظرفیت‌ها و توان بالقوه این نقاط باشد، به توسعه پایدار و عادلانه در سطح کشور نخواهد انجامید.

[۱۹] شکویی حسین، *جغرافیای اجتماعی، اکولوژی اجتماعی شهر*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵.

[۲۰] رهنمائی محمد تقی، *توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.

[21] Trieb Michael & Markelin Antro, *Stadt bild in der Planungspraxis*, D.V.A. Verlag, Stuttgart, 1976.

[۲۲] علی الحسینی مهران، *الگوی مسکن روستایی*، تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

[۱۵] زنجانی حبیب ا...، *جمعیت و توسعه*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.

[۱۶] بورژل گی، *شهر/امروز*، ترجمه سید محمد سید میرزایی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

[۱۷] فیندلی سلی، *برنامه ریزی مهاجرت های داخلی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۷۲.

[18] Bures Regina, *Migration, Urbanization and Development: Direction and Issues*, United Nations population fund publishers, New York, 1996.

Archive of SID